



۲۰۱۶/۰۹/۲۱



ملالی موسی نظام

روز بین المللی صلح

صلح در افغانستان، دردا که آرزوی محالیست



روز ۲۱ سپتمبر از جانب مؤسسه ملل متحد منحه‌ی روز بین المللی صلح از سال ۱۹۸۱ میلادی انتخاب گردیده است و همه ساله در آغاز کار جلسات اسامبله عمومی این تشکیل جهانی در نیویارک، طی مراسمی از این روز هم تجلیل به عمل آمده و استقبال از چنین مفکوره والای بشری هم رسماً صورت می گیرد، طوریکه در این روز کوشش به عمل می آید تا در سراسر گیتی گروه های متخاصم اقلأ بصورت مؤقت هم که شده است، از جنگ به مقابل همدیگر دست بردارند.

امسال هم «بان کی مون» سرمنشی ملل متحد، زنگ بزرگی را که جاپان منحه‌ی سمبولی برای تقدیر از برقراری صلح و امنیت در جهان از همان دهه پنجاه میلادی به سازمان ملل متحد اهداء نموده است، به صدا در آورد تا به مردم جهان هوشدار بدهد که به صلح و امنیت در سرزمین های شان منحه یک وجبیه بشری اجتماعی کوشا و جدی باشند. این زنگ در جاپان از قطعات فراهم شده هزاران سکه ساخته شده که به منظور صلح و سلم جمع آوری گردیده است.

هدف از استقبال از چنین روزی تشویق و آگاهی هرچه بیشتر ملل جهان برای بر آورده شدن امکاناتیست که برای مردم همه سرزمین ها صلح و امنیت متداوم به همراه می آورد تا بشود که در پناه چنین شرائطی اتباع هر دیار در پهلوی امتیازات اجتماعی دیگر، برای بهبود تربیت سالم و امکانات معیشت اطفال در یک محیط محفوظ

از تشنجات غیر صحتی و غیر بشری، فضای امنی بوجود آورند تا نسل های سالم و تربیت یافته در آینده، اجتماع برانده و قابل اعتمادی را یکی به دنبال دیگری تقدیم مملکت خویش نموده و زمینه ترقی و بهبود هر چه بیشتری را برای مردم خود و در مجموع وظیفه‌تاً، برای مردمان این کره خاکی فراهم آورند.

متأسفانه در جنگ های روز افزونی که آتش آن هرچه بیشتر، مخصوصاً در آسیا و شرق میانه شعله ور میگردد، بیشترین قربانیان که اهمیت حیاتی آنان برای بقاء و ثبات یک جامعه سالم در آینده هر مملکتی، از ارزش اعظمی برخوردار است، اطفال هستند که نه تنها تلف می گردند، معیوب و ناقص می شوند، بلکه از لحاظ روحی هم صدمات جبران ناپذیری بر روان معصوم آنان جبراً وارد میگردد. در زمینه ارزش رشد اطفال در یک فضای امن و میسر بودن امکانات رهاپس سالم برای آنان، به یکی از گفته های «کوفی انان»، یکی از سر منشی های سابق ملل متحد اشاره می نمایم:

" در جهان هیچ چیز مقدس تر و ارزشمند تر از آنچه به مقدرات اطفال تعلق می گیرد، نیست..... هیچ چیز مهمتر از آنچه حقوق اطفال را حمایه می نماید، وجود ندارد..... که منافع شان را حفظ نماید..... که حیات شان دور از هر نوع ترس و هراس سپری گردد..... که بدون رعب و دهشت، در یک حالت صلح دائمی به رشد برسند!"

در افغانستان از آغاز کودتای منحوس ثور حالات جنگ و بربادی نسل ها، حتی بعد از اخراج قوای شکست خورده اتحاد شوروی، با فقدان یک صلح و آرامش سرتاسری، دردا که بصورت متداوم ذریعه خود اتباع مملکت و البته گماشتگان آتش افروز تربیه شده پاکستان ملعون، ادامه دارد و در پهلوی کشتار های پراکنده، تلفات اطفال، دربردی آنان و فقر و بی سرو و سامانی شان دردنیست استخوان سوز که بی اعتنایی دولت هم در احوال آنان، فقط میتواند آینده تاریکترین را در احوال نسل آینده وطن رقم بزند.

متأسفانه درین یکونیم دهه اخیر که میلیارد ها سرمایه اعمار مجدد به عوض مصرف در امور آبادانی صنایع، زراعت، بهبود حالت زار اجتماع ویران، بند و انهار و امثالهم، به ترویج و تقویه فساد اداری و حیف و میل گروپ های مشترک المنافع به تاراج رفت، در حقیقت جامعه جنگ زده را جنگ زده تر ساخت و در پهلوی فقر و مسکنت حاد اکثریت ملت، اطفال به منزله سنگ زیرین آسیاب، متحمل سخت ترین مصائب و جنایات بشری گردیده اند، طوریکه فردای صلح و امنیت را اصلاً نمی شناسند که نخواهد آمد!

با بازی های کثیف سیاسی که نه تنها در خود ممالک مخصوصاً قسمت هایی از آسیا، منجمله افغانستان در جریان است، متأسفانه دست های مغرضین داخلی و خارجی، البته به منظور حفظ و توسعه منافع گوناگون خود شان صورت میگیرد. از تخریب جوامع عراق، لیبیا، غزه و سوریه که آغاز نمایم که فقط هرکدام از شروع قرن جدید از یک حال صلح و آرامش و ثبات سیاسی، با بازی های شرق و غرب و ایجاد جنگ ها و کشتار ملت های مظلوم شان، به سرنوشت های سیاه مرگ، بیخانمانی، از دست دادن عزیزان، از بین رفتن کار، کسب و سرمایه وووو را تا حد نهایی، جبراً و قهراً متقبل گردیده اند.

در حالت رو به ویرانی روز افزون، اگر هر روز هم از مفکوره صلح و امنیت در جهان استقبال به عمل بیاید، با حلوا گفتن دهن شیرین نمیگردد، تا زمانیکه علت و علل واقعی هر جنگ و بربادی در هر سرزمین مشخصی ارزیابی و اصلاح نگردد که آرزویست محال. طور مثال زمانیکه روسیه و امریکا برای ایجاد صلح در سرزمین ویران سوریه عجلتاً به توافقی «!» رسیده اند، کشتار ۶۵ عسکر جوان سوریه در بمبارد «اشتباهی» قوای

امریکا به منظور از بین بردن سازمان آدم کشان «داعش»، چه معذرت و توجیهی را می تواند داشته باشد؟! با اینهمه تجهیزات عسکری پیشرفته چنین اشتباهی باید غیر ممکن باشد، مگر اینکه مانند بمباردمان «شفاخانه قندز» و تراژدی انسانی کشتار مریضان و مأمورین آن، بهانه «سپو انسانی» پیشکش گردد!

حالت وخیم و غیر متعادل در جهان امروزی بحالت مسری از ملکی به ملک دیگر در سرایت است، سرزمین های مانند شرق میانه و افغانستان به صورت عموم به تخریبات گوناگون اجتماعی سر دچار اند و برهم زدن روز افزون امنیت در ممالک مختلفه منجمله ممالک غربی ذریعۀ گروپ های آدم کشان و دهشت افگنان که اهداف آنان میتواند اجتماعی از بیگناهان یک جامعه بشری نا شناخته باشد، هیئات که عملاً موجودیت و استقرار صلح را معدوم و نابود می سازد.

پایان

